

بررسی تطبیقی دانش محوری اقتصاد ایران با کشورهای منطقه با تأکید بر مسئله حقوق مالکیت فکری

دکتر حسن سبحانی*
محمدامیر ریزوندی**

چکیده

وقوع انقلاب دانایی و نقش کلیدی دانش در تولید محصول، چهره اقتصاد امروز را به کلی دگرگون ساخته است؛ به طوری که دیگر حجم تولید، معیار دقیقی برای سنجش توان اقتصادی یک کشور نیست، بلکه میزان تولید دانش و محصولات دانش محور و صادرات محصولات با فناوری بالا، معیار نوینی برای سنجش قدرت ملی یک کشور در عصر فراصنعتی شده است. یکی از ملزومات بنیادی جهت گذار به چنین اقتصادی (اقتصاد دانش محور)، وجود حقوق مالکیت فکری قوی و کارآمدی است که با ایجاد انگیزه در مبدعان و مخترعان به تولید دانش جدید کمک نماید و توان جذب سرمایه گذاری خارجی را بالا ببرد. این نهاد باعث افزایش بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصاد می‌شود و هزینه‌های معاملاتی را کاهش می‌دهد. علی‌رغم ضرورت‌های فراوان برای وجود حقوق مالکیت فکری کارآمد، مواردی همچون مبهم بودن گستره حقوق مالکیت فکری و تعیین میزان بهینه حمایت از این حقوق، اجرای مناسب این نهاد در اقتصاد نوین را با چالش‌هایی مواجه ساخته است که باید مد نظر قرار گیرند. مسئله اصلی مقاله به امکان دستیابی ایران به جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه آسیای جنوب غربی مطابق با سند چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه کشور اختصاص یافته است. بررسی این مسئله از منظر اقتصاد دانش بنیان با تأکید بر حقوق مالکیت فکری صورت گرفته است. مقایسه ایران و کشورهای رقیب منطقه نشان می‌دهد که در بیشتر شاخص‌ها، کشور ترکیه وضعیت بهتری از ایران دارد و از این رو با شرایط فعلی و از منظر اقتصاد دانش محور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز توسعه با چالش همراه خواهد بود.

واژگان کلیدی: دانش، نظام مالکیت فکری، اقتصاد دانش محور، نوآوری و حقوق مالکیت فکری ایران

طبقه‌بندی JEL: D83, H11, H41, K11

۱. مقدمه

دویست سال پیش، در پایان قرن هجدهم و آغاز سده نوزدهم، انقلاب صنعتی به دوران ۸ هزارساله‌ای که کشاورزی منشأ ایجاد ثروت بود پایان داد. ماشین بخار که نیرویی عظیم‌تر از نیروی حیوان یا انسان در اختیار گذاشت، انجام کارهای ناممکن را امکان‌پذیر کرد. صد سال بعد، در پایان قرن نوزدهم با ورود برق به صحنه زندگی، انقلابی پدید آمد که مورخان اقتصادی آن را انقلاب صنعتی دوم نام نهادند. امروز سومین انقلاب صنعتی در جریان است: دانش.^۱ جهان به مرحله نوینی وارد شده و اقتصاد مبتنی بر تولید کالاهای باوزن و سنگین، به سرعت جای خود را به تولید کالاهای مبتنی بر دانش و اطلاعات^۲ (اقتصاد دانش‌محور)^۳ داده است. میکروالکترونیک، رایانه، مخابرات و ارتباطات دوربرد، روبات و بیوتکنولوژی از مظاهر سومین انقلاب صنعتی می‌باشند (تارو، ۱۳۸۴).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۴ (۱۹۹۶) برای اولین بار از واژه اقتصاد دانش‌محور به منظور اشاره به اقتصادهایی که پایه و اساس آنها بر تولید، توزیع و استفاده از دانش قرار گرفته است استفاده کرد. در یک اقتصاد دانش‌محور، سهم دانش در تولید محصولات بالا می‌رود؛ از این رو در چنین اقتصادی نسبت شغل‌های دانش‌بر فزونی می‌یابد. همچنین اطلاعات نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند و متعاقب این دو، سهم سرمایه‌های ناملموس از «سرمایه‌های ملموس»^۵ در سبد دارایی‌ها پیشی می‌گیرد (فری، ۲۰۰۴).

از ویژگی‌های اقتصاد دانش‌محور می‌توان به سرعت بالا در تغییر فناوری‌ها، از دست دادن بسیاری از ابزارهای کنترل دولت‌ها بر اقتصاد خویش، نقش کلیدی یافتن دانایی انسان‌ها و شبکه روابط میان آنها برای تداوم پیشرفت، کاهش خارق‌العاده هزینه‌های ارتباطات و حمل‌ونقل و در نتیجه افزایش ارتباطات و تعامل میان انسان‌ها و ارتقای جایگاه انسان در فرایند تولید اشاره کرد (مؤمنی، ۱۳۸۸).

همراه با گذار اقتصادها از صنعتی به دانش‌محور، اقتصاد جهانی به شدت به کالاهای مضمول مالکیت فکری، از هواپیما تا نرم‌افزار تجاری و از مواد دارویی تا تلفن همراه وابسته شده است (سازمان اتحاد حقوق مالکیت، ۱۳۸۹). در واقع، با ظهور سومین انقلاب صنعتی، دانش و تخصص به منشأ منحصر به فرد «مزیت رقابتی»^۷ تبدیل شده است. از

1. knowledge

2. information

3. knowledge-based economy

4. Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD)

5. tangible

6. Foray, D.

7. competitive advantage

این‌رو، کامیابی یا ناکامی اقتصادی شرکت‌های امروزی به کم و کیف دانش و تخصص آنها بستگی دارد. دانش که در گذشته بعد از سرمایه و مواد خام در مقام سوم قرار داشت، اکنون نقش اول را در تولید محصول ایفا می‌کند. در نتیجه این واقعیت ایجاب می‌کند که تکلیف مالکیت بر «دارایی فکری»^۱ علمی و تخصصی روشن شود و تدابیر لازم برای حفظ مالکیت این نوع مالکان افزایش یابد (تارو، ۱۳۸۴).

۲. بیان مسائل و روش تحقیق

حقوق مالکیت فکری، نقش اساسی و کاتالیزور در اقتصاد دانش‌محور دارد. این قوانین مالکیت فکری است که تعیین می‌کند چه کسی به منابع اطلاعاتی دسترسی داشته و شرایط و طول مدت دسترسی و همچنین قیمت پرداخت شده برای استفاده از این منابع چقدر باشد (رونی و دیگران، ۲۰۰۵)^۲. همان‌طور که در ادامه بحث مشخص خواهد شد، تحقیق حاضر سعی در واکاوی نقش این حقوق در اقتصاد نوین دارد و ضرورت وجود این نهاد و چالش‌های موجود در مسیر تحقق یک سیستم مالکیت فکری قوی و کارآمد را به بحث می‌گذارد. از این‌رو مقاله حاضر تلاش دارد تا مسائل زیر را بررسی نماید:

(الف) ضرورت و چگونگی تأثیرگذاری حقوق مالکیت فکری بر اقتصاد دانش‌محور؛

(ب) چالش‌های اجرای حقوق مالکیت فکری در اقتصاد دانش‌محور؛

(ج) مقایسه تطبیقی وضعیت حقوق مالکیت فکری در ایران با تعدادی از کشورهای منطقه.

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. این مقاله، تحقیقی ثانویه می‌باشد که اطلاعات مورد نیاز خود را از تحقیقات اولیه به دست آورده است. این اطلاعات با استفاده از اسناد و مدارک موجود و مراجعه به سایت‌های مؤسسات بین‌المللی همچون «بانک جهانی»^۳ و «سازمان جهانی حقوق مالکیت فکری»^۴ جمع‌آوری شده و مورد استدلال قرار گرفته است.

انتخاب شاخص‌ها و متغیرهای مقاله براساس متغیرهای معرفی شده از سوی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که برای سنجش اقتصاد دانش‌محور معرفی شده و بخش حقوق مالکیت فکری را شامل می‌شوند صورت گرفته است. «اپک»^۵ در معرفی اجزای شاخص اقتصاد دانش‌محور، اولین رکن را به «خلق دانش» یعنی مهم‌ترین نقش حقوق مالکیت

1. intellectual property

2. Rooney, D.; G. Hearn; T. Mandville & R. Joseph

3. World Bank

4. World Intellectual Property Organization

5. Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)

سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا - اقیانوسیه شامل ۲۱ کشور عضو.

فکری اختصاص داده است که دارای زیربخش‌های درصد مخارج صرف‌شده از تولید ناخالص داخلی بر روی تحقیق و توسعه، تعداد محققان در هر یک میلیون نفر و سرانه ثبت اختراعات می‌باشد (کمیته اقتصادی آپک،^۱ ۲۰۰۱). بانک جهانی نیز یکی از ارکان اصلی روش سنجش اقتصاد دانش‌محور خود را به «نظام نوآوری» اختصاص داده است که دارای زیربخش‌ها و متغیرهای متعددی از جمله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پرداخت‌ها و دریافت‌های حق‌الامتياز، درصد مخارج صرف‌شده از تولید ناخالص داخلی بر روی تحقیق و توسعه، تعداد محققان شاغل در بخش تحقیق و توسعه، تعداد مقالات علمی و فنی، صادرات با فناوری بالا، تعداد ثبت اختراعات، مخارج صرف‌شده بخش خصوصی بر روی تحقیق و توسعه و... می‌باشد (بانک جهانی، ۱۹۹۸).

از آنجا که برای تعدادی از متغیرهای معرفی‌شده بالا آماری برای کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی وجود ندارد؛ از این رو سعی شده است متغیرهایی که آمار آنها برای بیشتر کشورهای مورد بررسی در دسترس می‌باشد مورد مقایسه قرار گیرند.

۳. حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری در معنای وسیع کلمه، حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری انسان در زمینه‌های مختلفی همچون صنعتی، علمی، ادبی و هنری است که از راه دانش، هنر یا ابتکار آفریننده آن پدید می‌آید (نوروزی، ۱۳۸۱). در واقع، حقوق مالکیت فکری حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار وی را می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۷۶). این نوع از مالکیت، که دارای‌های ناملموس^۲ را دربر می‌گیرد ریشه در فکر و اندیشه، قدرت خلاقیت و ابتکار انسان‌ها دارد (زری‌باف و دیگران، ۱۳۸۸).

این حقوق، مقرراتی را دربر می‌گیرد که حق استفاده و بهره‌برداری مادی از فعالیت‌ها را که دارای نوآوری و ابتکار است را ایجاد می‌نماید و از طریق اعمال مجازات‌هایی از جعل و پخش آن فعالیت مبتکرانه جلوگیری می‌نماید و آن را مورد حمایت خود قرار می‌دهد (خاکپور، ۱۳۷۳). هدف حمایت از این حقوق، تشویق افراد به ایجاد آفرینش‌های فکری و آزادسازی دسترسی به آنها با هدف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بهبود زندگی بشر است (نوروزی، ۱۳۸۱).

1. APEC Economic Committee

2. intangible assets

به‌طور کلی، دارایی‌های فکری در سطح جهان به دو دسته «مالکیت ادبی و هنری»^۱ (حق مؤلف)^۲ و «مالکیت صنعتی و تجاری»^۳ تقسیم می‌شوند (WIPO، ۲۰۰۲). در بخش مالکیت ادبی و هنری، انواع مختلف آثار ادبی و هنری همچون کتاب، شعر، نمایشنامه، نقاشی، آثار صوتی، عکاسی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند و در بخش مالکیت صنعتی، مواردی چون «حق اختراع»^۴، «اسامی و علائم تجاری»^۵، «طرح‌های صنعتی»^۶ و «علائم جغرافیایی»^۷، «اسرار تجاری»^۸، مدل‌های مفید و طرح‌های ساخت مدارهای مجتمع^۹ بررسی می‌شوند (فتحی‌زاده و بزرگی، ۱۳۸۳).

«داگلاس نورث» (۱۳۸۵)، نهادها^{۱۰} را قواعد و قوانین جاری در جامعه می‌داند؛ پس می‌توان نهادی به نام نهاد مالکیت تعریف نمود که دربرگیرنده مجموعه‌ای از حقوق باشد که به بررسی قوانین استفاده از دارایی‌ها و درآمدهای ناشی از آن دارایی و توانایی انتقال یک دارایی یا منبع مولد ثروت می‌پردازد (نورث، ۱۹۹۵) و از این‌رو، نهاد مالکیت فکری، مجموعه‌ای از حقوق است که قوانین استفاده از دارایی‌های فکری را بررسی می‌کنند.

۳-۱. اهمیت حقوق مالکیت فکری در اقتصاد دانش‌محور

در اقتصاد دانش‌محور که عمر تکنولوژی‌ها بسیار کوتاه است و هر روز با آمدن محصول جدید، محصول دیگری که زمان چندانی از ظهور آن نگذشته، از دور خارج می‌شود، خلاقیت^{۱۱} و نوآوری^{۱۲} حرف اول را می‌زند؛ یعنی در یک اقتصاد دانش‌محور، رقابت بر سر این است که اولین نوآور باشیم یا حداقل اثربخش‌ترین نوآوری را انجام دهیم (حیدری، ۱۳۸۶). ظهور و بروز نوآوری با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه^{۱۳} و بهره‌گیری از فناوری‌های نو امکان‌پذیر است. در چنین شرایطی اگر حمایت قانونی و عملی از حقوق مالکیت فکری^{۱۴} وجود نداشته باشد، حاصل سرمایه‌گذاری که همان دارایی فکری است به سرقت می‌رود یا مورد نسخه‌برداری قرار می‌گیرد (تندهوش و دیگران، ۱۳۸۴).

1. literary and artistic property

3. commercial and industrial property

5. trademarks

7. geographical indications

9. layout-designs of integrated circuits

11. creativity

13. Research and Development (R&D)

2. copyright

4. patent

6. industrial designs

8. trade secrets

10. institution

12. innovation

14. intellectual property rights

در ابتدا باید بررسی شود که حقوق مالکیت فکری قصد حفاظت از چه نوع کالایی را دارد. موضوع مورد حمایت در حقوق مالکیت فکری، دانش و اطلاعات است. یک کالای عمومی خالص،^۱ کالایی است که غیر رقابتی^۲ بوده و همچنین نمی‌توان آن را از مصرف‌کنندگان معینی منع نمود. دانش تا حدی استثناء‌پذیر^۳ است؛ لذا می‌توان آن را به عنوان یک کالای عمومی ناخالص^۴ در نظر گرفت (استیگلیتز،^۵ ۱۹۹۹). گاهی اوقات، کالاهای اطلاعاتی یعنی محصولات ملموس دانش، کالاهای شبه‌عمومی^۶ نامیده می‌شوند؛ به عبارت دیگر، آنها با شریک شدن در ویژگی‌های کالاهای عمومی و خصوصی، در جایی بین کالای عمومی خالص و کالای خصوصی خالص قرار می‌گیرند (رومر،^۷ ۱۹۹۳). در جدول زیر، شدت استثناء‌پذیری و رقابتی بودن چند کالا بیان شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود «بیسکویت» که یک کالای کاملاً خصوصی است، هم رقابت‌پذیر و هم از درجه استثناء‌پذیری بالایی برخوردار است. در نقطه مقابل آن، «قضیه فیثاغورث» قرار دارد که نه می‌توان کسی را از استفاده آن محروم و مستثنا نمود و نه اینکه استفاده از آن توسط شخصی به شخص دیگری ضرر و آسیبی می‌رساند و لذا غیر رقابتی است. سایر کالاها در بین این دو حالت حدی قرار می‌گیرند.

جدول ۱: مثالی از شدت استثناء‌پذیری و رقابتی بودن کالاها (منبع: رومر، ۱۹۹۳)

رقابت‌ناپذیر	رقابت‌پذیر ^۸	رقابتی یا رقابت‌ناپذیر بودن شدت استثناء‌پذیری
سیگنال تلویزیون کابلی	بیسکویت	استثناء‌پذیری بالا
نرم‌افزار ^۹		استثناء‌پذیری متوسط
قضیه فیثاغورث ^{۱۰}	ماهی در دریا	استثناء‌پذیری پایین

دلایل ضرورت وجود نهاد مالکیت فکری به‌طور کلی به دو بخش اخلاقی و اقتصادی تقسیم می‌شود. بخش اخلاقی آن به بحث مالکیت خصوصی بازمی‌گردد که رابطه حق محوری را بین کار شخص و نتیجه آن کار برقرار می‌سازد (دراوس،^{۱۱} ۱۹۹۶). اما

1. pure public good
3. excludible
5. Stiglitz, J. E.
7. Romer, P.
9. software
11. Drahos, Peter

2. non-rivalrous
4. impure public good
6. quasi-public goods
8. rival
10. Pythagoras theorem

اقتصاددانان می‌پرسند هنگامی که یک عامل اقتصادی برای تولید اطلاعات سرمایه‌گذاری می‌کند تحت چه شرایطی، ریسک زیان در آینده را تقبل می‌نماید؟ فرض کنید که عوامل اقتصادی به صورت عقلایی عمل و در جهت حداکثر نمودن سود خود تلاش می‌نمایند، یک عامل زمانی برای تولید نوآوری، هزینه‌های تحقیق و توسعه را تقبل می‌کند که در مقابل بتواند اطلاعات R&D خود را که منجر به تولید محصول جدید و نوآورانه می‌شود از دیگران پنهان و مخفی نگاه دارد. اگر او نتواند این اطلاعات را مخفی نگاه دارد، رقبا اطلاعات را با هزینه صفر کسب می‌کنند و محصول جدید را در قیمتی پایین‌تر از آنچه که بنگاه اول تولید کرده بود، تولید می‌کنند (رونی و دیگران، ۲۰۰۵). ضرورت و اهمیت وجود نهاد مالکیت فکری قوی و کارآمد را می‌توان در موارد زیر عنوان کرد:

الف) در صورت عدم حمایت از حقوق مالکیت فکری، محققان و دانشمندان انگیزه کمتری برای خلق دانش تکنولوژیکی جدید دارند و حتی با خلق دانش، فقدان حقوق مالکیت فکری قوی منجر به اختلال در انتشار دانش خلق‌شده می‌شود (کافمن و دیگران،^۱ ۲۰۰۳). این نهاد در رشد و توسعه جوامع نقش تعیین‌کننده دارد؛ زیرا در صورت اجرا نشدن این حقوق به‌طور صحیح، منافع ناشی از ابتکارات و نوآوری‌ها به صاحبان آنها تعلق نخواهد گرفت و این خود به معنای خشکاندن انگیزه نوآوری در نوآوران است، پس با تنظیم حقوق مالکیت و قوانین مرتبط با آن، اولین گام در جهت رشد و توسعه اقتصادی برداشته خواهد شد (دمستز و دیگران،^۲ ۱۹۶۷).

ب) بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به دلیل داشتن یک نظام مالکیت فکری ضعیف و ناکارآمد، توان جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی^۳ به صورت دائمی را ندارند و این در حالی است که کشورهای توسعه‌یافته کنونی با پایان جنگ جهانی دوم به حقوق مالکیت فکری توجهی خاص نموده و آن را پایه‌ای برای رشد و توسعه خود قرار داده‌اند که همین امر باعث ورود سرمایه‌های خارجی فراوان به این کشورها شده است (مهدوی و برخورداری، ۱۳۸۷)؛ از این رو یک نظام مالکیت فکری قوی، افزون بر ترغیب به نوآوری داخلی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش می‌دهد که این امر منجر به رشد اقتصادی می‌گردد (سازمان اتحاد حقوق مالکیت، ۱۳۸۹).

ج) تئوری‌های اقتصادی بیان می‌نمایند جامعه‌ای که هیچ حمایتی از مالکیت فکری نمی‌کند، به‌طور قطع، منابع را در سطح بهینه‌ای^۴ جهت ابداع و آفرینش اختصاص نخواهد

1. Kaufman, Daniel; A. Kraay & M. Mastruzzi

2. Demsetz, Harold, Mary

3. foreign investments

4. optimal level

داد؛ در جوامعی که از اطلاعات به دست آمده از R&D حمایت و حفاظتی به عمل نمی آید، برای عوامل و بنگاه های اقتصادی، عقلایی است که از تلاش های دیگران به صورت سواری مجانی^۱ استفاده کنند و خود متحمل هزینه های تحقیق و توسعه نشوند. از این رو جهت دستیابی به سطح بهینه صرف منابع جهت ابداع و نوآوری، وجود یک نظام مالکیت فکری کارآمد ضروری می باشد (لندس و پوسنر، ۲۰۰۳^۲).

د) حقوق مالکیت فکری، توازنی را بین به وجود آوردنندگان فناوری نوین که اغلب به طور وسیعی از منابع و داده ها در ایجاد و توسعه فناوری استفاده می کنند و منافع به کارگیرندگان آن نوع فناوری که از آن به عنوان ابزار مهمی در جهت پیشرفت و بهبود توانایی های فناورانه و رقابت در بازار بهره می گیرند، برقرار می سازد (هداوند، ۱۳۸۳).

ه) بازار برای کالاهای دانش محور نمی تواند همانند کالاهای عادی و ملموسی همچون نفت عمل کند؛ چرا که دانش کالایی رقابت ناپذیر^۳ است؛ یعنی استفاده یک شخص، تأثیری بر استفاده اشخاص دیگر ندارد و همچنین استثناء ناپذیر است؛ یعنی نمی توان مصرف کنندگان معینی را از آن محروم نمود، از این رو وجود یک نهاد مالکیت خاص جهت سامان دادن به چگونگی و شرایط استفاده از این کالا ضروری می باشد (ویدرز، ۲۰۰۶^۴).

و) ابداع و خلق آثار جدید، منجر به انباشت دانش می شود، با انباشت دانش، بهره وری در بخش های مختلف اقتصادی افزایش می یابد و زمانی ابداع و نوآوری افزایش می یابد که مبدع، از بازگشت منافع ابداع به خود مطمئن باشد (سیدعلی روته، ۱۳۸۷).

ز) حقوق مالکیت فکری همانند حقوق مالکیت فیزیکی، «هزینه های معاملات»^۵ را کاهش می دهد. برای مثال، علائم تجاری، اطلاعاتی درباره کیفیت محصولات ارائه می نمایند که این امر خود به کاهش هزینه های جستجوی مصرف کننده در بازار می انجامد (سازمان اتحاد حقوق مالکیت، ۱۳۸۹).

۲-۳. چالش های پیش روی حقوق مالکیت فکری

اقتصاد دانش، حقوق مالکیت فکری را با چالش های گسترده و پیش بینی ناپذیری روبه رو ساخته است. امروزه هر کسی می تواند از طریق اینترنت، کتاب، موسیقی، فیلم و نرم افزارهای مورد علاقه و مورد نیاز خود را با هزینه بسیار اندکی دریافت^۶ کند. آیا حقوق

1. free riding

3. non-rival

5. transaction costs

2. Landes, William, M. & Richard A. Posner

4. Withers, Kay

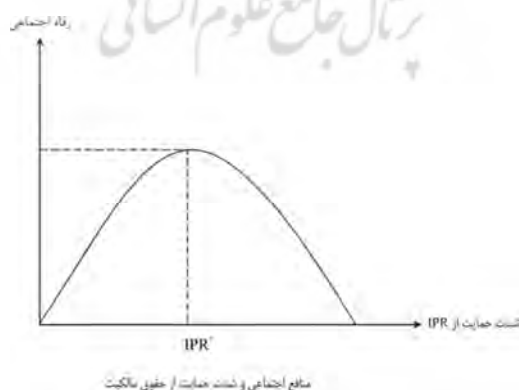
6. download

مالکیت فکری فعلی می‌تواند از این امر جلوگیری نماید؟ آشکار است که بسیاری از حمایت‌های این حقوق در اقتصاد نوین بی‌ثمر است! در واقع حقوق مالکیت فکری کنونی، در بخش‌های مختلف چندان با اقتصاد دانش همخوانی ندارد؛ زیرا این حقوق بیشتر جهت حمایت از ابداعات در اقتصاد صنعتی راهگشا و کاربرد دارد تا اقتصاد دانش.

از جمله چالش‌های حقوق مالکیت فکری در اقتصاد دانش محور عبارت‌اند از:

الف) معنای مالکیت زمین یا تجهیزات تولیدی مشخص است و همه از چگونگی اجرای حقوق مالکیت بر آنها اطلاع دارند. سرمایه‌داران و صاحبان بنگاه‌ها، مالک تجهیزاتی هستند که کارگران آنها به کار می‌برند؛ اما آیا می‌توانند مالک دانش و اطلاعات فنی کارگران خود باشند؟ وقتی که کارکنان یک سازمان به شرکت جدیدی با کارفرمای جدید می‌روند، آیا کارفرمایان قبلی می‌توانند از انتقال دارایی علمی، فنی و تخصصی کارکنان خود جلوگیری کنند؟ حقوق مالکیت زمین و تجهیزات، دائمی است؛ اما آیا مالکیت بر دانش و اطلاعات فنی هم این چنین است؟ اگر خیر، طول عمر آن چقدر است؟ تفاوت زمین دولتی و غیر دولتی را همه می‌دانند؛ اما آیا مرز بین دانش خصوصی و دولتی نیز آشکار است؟ حتی اگر بتوان مرزی تعیین نمود، چگونه می‌توان از عبور دانش و اطلاعات از این قلمرو به آن قلمرو جلوگیری کرد؟ (تارو، ۱۳۸۴).

ب) آیا همان‌گونه که درباره منافع اقتصادی مالکیت خصوصی بحث می‌شود، می‌توان درباره منافع حقوق مالکیت فکری نیز سخن گفت؟ پاسخ به این سؤال ساده نیست؛ همان‌طور که گفته شد در صورت فقدان حقوق مالکیت فکری، جامعه سطح بهینه‌ای از منابع را صرف ابداع و نوآوری نخواهد نمود. در مقابل، جامعه‌ای که به صورت بیش از حد از این حقوق حمایت می‌کند، متحمل هزینه‌هایی می‌شود که از منافع آن بیشتر است. نمودار زیر به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد (رونی و دیگران، ۲۰۰۵).



همان‌طور که از نمودار مشخص است، با وجود نهاد مالکیت فکری که از آن حمایت صورت می‌گیرد، رفاه اجتماعی ناشی از ابداعات افزایش می‌یابد؛ اما این افزایش رفاه تنها تا سطح IPR* از شدت حمایت از حقوق مالکیت فکری ادامه می‌یابد؛ به طوری که از آن نقطه به بعد و با حمایت بیشتر از مالکیت فکری، رفاه اجتماعی سیر نزولی خود را آغاز می‌نماید، پس تعیین سطح مناسب و بهینه‌ای از حمایت، چالش‌انگیز و حائز اهمیت است. (د) در حالی که دولت در حمایت از همه حقوق مالکیت نقش کلیدی دارد، نقش آن در حمایت از حقوق مالکیت فکری بسیار پیچیده‌تر است. آشکار است که اگر انگیزه‌ای جهت کسب دارایی‌های فیزیکی وجود داشته باشد، وجود یک سیستم دولتی که در برابر دزدی از اموال محافظت کند، ضروری می‌باشد؛ اما با این منطق نمی‌توان راجع به «رژیم‌های حقوق مالکیت فکری قوی»^۱ بحث کرد؛ زیرا تفاوت‌های برجسته‌ای بین دارایی‌های فیزیکی و فکری وجود دارد. درحقیقت، ایده‌های پایه‌ای همچون قضایای ریاضی عموماً قابلیت ثبت ندارند. تقویت بیش از حد حقوق مالکیت فکری، به معنی افزایش قیمت یکی از عناصر کلیدی تحقیق یعنی دانش می‌باشد؛ به طوری که این حقوق با ایجاد امتیازی انحصاری، دسترسی دیگران به دانش را محدود می‌نماید و باعث کاهش سرعت نوآوری می‌شود و همان‌طور که گفته شد نوآوری قلب تپنده اقتصاد دانش‌محور است (استیگلتز، ۱۹۹۹).

(ه) مسئله رانت جویی و کاهش نوآوری یکی از پیامدهای حقوق مالکیت فکری غیر مولد می‌باشد. در واقع برای افراد این انگیزه وجود دارد تا بدون انجام کاری مولد، با طولانی نمودن و تمدید زمان برخورداری از حقوق مالکیت از امتیازی انحصارگرایانه برخوردار شوند. این مسئله در مورد آثار ادبی، هنری و نیز اختراعاتی که نمونه مشابه یا جانشین نزدیکی ندارند کاملاً صادق است؛ به طوری که ناشران آثار ادبی یا صاحبان اختراع تا سال‌ها از درآمدهای رانتی و غیر مولد آثار خود بهره‌مند می‌شوند. در واقع تقویت حقوق مالکیت فکری ضمن حمایت از مبدعان و مخترعان می‌تواند منجر به آزاد نمودن رانت‌ها و گرایش افراد به سوی بهره‌مندی از فعالیت‌های غیر مولد شده و شبکه‌های ارتباطات دخیل در نوآوری را مختل نماید و با تبدیل شدن به یک ضد انگیزش، نوآوری را کاهش دهد (دراوس، ۱۳۸۹).

(و) کشورهایی که از حقوق مالکیت ضعیف رنج می‌برند با دو مشکل مواجه می‌باشند: از طرفی به منابع مالی زیادی جهت تقویت این حقوق نیازمندند؛ از طرف دیگر عدم صرف

1. strong intellectual property rights regimes

منابع مالی از سوی این کشورها، خود به تضعیف بیشتر این حقوق می‌انجامد؛ از این رو یک دور باطل بین عدم صرف منابع مالی و تضعیف حقوق مالکیت در این کشورها ایجاد می‌شود. دلیل عدم صرف منابع مالی به این مسئله بازمی‌گردد که بسیاری از این کشورها گمان می‌کنند این حجم از سرمایه‌گذاری خارج از توان آنها است و همچنین تقویت حقوق مالکیت، منطبق بر نیازهای فوری و پیش‌روی کشورشان نمی‌باشد (سازمان اتحاد حقوق مالکیت، ۱۳۸۹).

ز) یکی از چالش‌های اساسی در مسیر ایجاد حقوق مالکیت فکری که مورد پذیرش همه کشورهای جهان باشد، تضاد منافع کشورهای صادرکننده کالاهای مشمول حقوق مالکیت فکری و کشورهای واردکننده این کالاها است. امروزه، حرکت به سوی حقوق مالکیت فکری جهانی تنها به سود آمریکا و تعدادی از کشورهای اروپایی است که تولیدکنندگان اصلی ایده و فکر در عرصه‌های مختلفی همچون هوافضا، دارو و پزشکی، رایانه و نرم‌افزار، فیلم و سرگرمی و... می‌باشند. این در حالی است که تقریباً بقیه کشورها در موقعیت واردکننده قرار دارند. بنابراین کشورهای واردکننده تمایلی به شناسایی حقوق مالکیت فکری ندارند؛ زیرا پرداخت‌های آنها از بابت به رسمیت شناختن مالکیت فکری بیشتر از دریافت‌هایشان می‌باشد (دراوس، ۱۳۸۹).

۳-۳. وضعیت حقوق مالکیت فکری ایران در مقایسه با کشورهای رقیب منطقه

یکی از موارد سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل است (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲).

در این قسمت سعی می‌شود تا وضعیت نهاد حقوق مالکیت فکری در ایران با کشورهای منطقه بررسی شود. وضعیت این نهاد و مقایسه آن با سایر کشورهای منطقه، یکی از شاخص‌های مهم جهت ارزیابی حرکت یک کشور به سوی اقتصاد دانش‌محور و دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه می‌باشد.

منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) کشورهای ازبکستان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، مغولستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، ترکیه، یمن، لبنان، مصر، کویت، قطر، عمان، عربستان سعودی، عراق، بحرین، سوریه، ایران، امارات متحده عربی، اردن، فلسطین و چند

جمهوری خودگردان همچون چین و داغستان را دربر می‌گیرد. در این مقاله، وضعیت ایران با کشورهای ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، مصر، عراق، عربستان، ترکیه، پاکستان مقایسه می‌شود. دلیل انتخاب این کشورها در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز و همچنین تشابه بیشتر این کشورها با کشور و اقتصاد ایران است.

باید گفت اهداف سند چشم‌انداز، ابتداء بر اقتصاد دانش‌محور را تأکید می‌کند و از آنجا که نهاد مالکیت فکری در این خصوص از اهمیت بسزایی برخوردار است، در ذیل از طریق بررسی تطبیقی این نهاد به زمینه‌های منجر به اقتصاد دانش‌محور پرداخته می‌شود. یکی از شاخص‌های سنجش بررسی وضعیت نهاد مالکیت فکری، مشاهده وضعیت عضویت کشورهای منطقه در توافقات بین‌المللی در این زمینه است. در جدول زیر تعدادی از مهم‌ترین معاهدات بین‌المللی در حوزه مالکیت فکری آورده شده است. کشورهای عضو پیمان با علامت * مشخص شده است.

جدول ۲: عضویت در مجامع بین‌المللی (منبع: www.wipo.int)

	ایران	پاکستان	ترکیه	عربستان	عراق	مصر	قزاقستان	آذربایجان	ارمنستان
کنوانسیون برن	-	*	*	*	-	*	*	*	*
پروتکل مادرید	*	-	*	-	-	*	*	*	*
معاهده نیس	-	-	*	-	-	*	*	*	*
کنوانسیون پاریس	*	*	*	*	*	*	*	*	*
معاهده همکاری‌های پتنت	*	-	*	-	-	*	*	*	*
کنوانسیون رم	-	-	*	-	-	-	-	*	*
معاهده قانون علائم تجاری	-	-	*	-	-	*	*	-	-
کنوانسیون UPOV	-	-	*	-	-	-	-	*	-
کنوانسیون WIPO	*	*	*	*	*	*	*	*	*
معاهده حق مؤلف WIPO	-	-	*	-	-	-	*	*	*

با ملاحظه جدول بالا تنها کشور ترکیه به لحاظ عضویت در توافقات بین‌المللی از وضعیت خوبی برخوردار است و عضو تمام معاهدات مهم بین‌المللی شده است، پس از ترکیه کشورهای آذربایجان، ارمنستان و قزاقستان از وضعیت مناسب‌تری نسبت به سایر کشورهای منطقه برخوردارند. در بین کشورهای خاورمیانه، مصر وضعیت خوبی دارد و با

عراق و عربستان اختلاف زیادی دارد. به لحاظ پیوستن به معاهدات بین‌المللی، وضعیت ایران، پاکستان، عراق و عربستان نامساعد است. البته ایران برای عضویت در بعضی معاهدات، ملاحظاتی دارد که از آن جمله می‌توان به مواضع ایدئولوژیکی یا تحریم‌های بین‌المللی اشاره نمود. به هر حال این امر می‌تواند در کاهش انگیزه مبدعان برای نوآوری و اختراع، کاهش فعالیت‌های تحقیق و توسعه از سوی بنگاه‌های داخلی، کاهش جریان سرمایه‌گذاری خارجی و... در ایران، پاکستان، عراق و عربستان مؤثر باشد.

در جدول شماره ۳ بخش تحقیق و توسعه کشورها که خود به شکلی بیانگر وضعیت حقوق مالکیت فکری در آنها است مقایسه شده است. یکی از مشکلات فعالیت‌های تحقیق و توسعه هزینه بسیار بالای آنها است؛ به طوری که بسیاری از بنگاه‌های کوچک تمایل چندانی به فعالیت در این بخش ندارند. بنگاه‌های بزرگ نیز تنها در صورتی که ضمانت کافی جهت حفاظت از نتایج تحقیقات آنها وجود داشته باشد، وارد این عرصه می‌شوند. از این رو نقش دولت در اختصاص بودجه مناسب به بخش تحقیق و توسعه جهت تولید دانش جدید بسیار چشمگیر و حیاتی است.

جدول ۳: حقوق مالکیت فکری و فعالیت در بخش تحقیق و توسعه (منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۰)

	ایران	پاکستان	ترکیه	عربستان	عراق	مصر	قزاقستان	آذربایجان	ارمنستان
تعداد محققان در R&D (به ازای هر یک میلیون نفر)	۷۰۶	۱۵۲	۶۸۰	۶۱۷
مقالات مجلات علمی و فناوری (در هر یک میلیون نفر)	۲۶۳۵	۴۹۲	۷۸۱۵	۵۷۵	۱۶۵۸	۹۶	۱۱۶	۱۸۰
مخارج صرف‌شده بر R&D (درصد از GDP)	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۷۱	۰/۰۵	۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۲۱

در قسمت تعداد محققان شاغل در بخش تحقیق و توسعه، ایران از سایر کشورها جلوتر است و پس از ایران ترکیه و مصر قرار دارند. این امر نشان‌دهنده وجود انگیزه برای ابداع و نوآوری در میان محققان ایرانی است. در شاخص دوم یعنی تعداد مقالات در مجلات علمی و فناوری، ایران پس از ترکیه و قبل از مصر قرار دارد. همچنین این سه کشور فاصله زیادی با شش کشور دیگر دارند. در بخش مخارج صرف‌شده بر روی تحقیق و توسعه، ترکیه جلوتر است و پس از آن ایران و پاکستان قرار دارد.

تمامی کشورهایی که در عرصه اقتصاد دانش‌بنیان به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند، سهم مناسبی از تولید ناخالص داخلی خود را به فعالیت‌های تحقیق و توسعه و حمایت از دانشمندان و مبدعان اختصاص داده‌اند. دلیل این همه توجه شرکت‌ها و کشورهای بزرگ

به مخارج تحقیق و توسعه مشخص است. فعالیت‌های تحقیق و توسعه هرچند پرهزینه می‌باشند و در بسیاری از اوقات نیز با شکست مواجه می‌شوند؛ اما فعالیت در این بخش همچون اکتشاف چاه‌های نفت است که اگر از هر هزار چاه نفت تنها یکی به نفت برسد، سود و منافع سرشاری نصیب آن کشور و بنگاه خواهد نمود (تارو، ۱۳۸۴). بنابراین یکی از موارد ضروری جهت تسهیل دستیابی به اهداف اقتصادی سند چشم‌انداز توسعه، توجه جدی به بخش تحقیق و توسعه می‌باشد. هرچند فاصله قابل ملاحظه‌ای بین سهم اختصاصی ایران به تحقیق و توسعه نسبت به کشورهای همچون عربستان یا مصر وجود دارد؛ اما صرف تنها ۰/۶۷ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران به این امر بسیار اندک است. این کمبود منابع زمانی آشکار خواهد شد که بدانیم کشور ژاپن که دارای اقتصادی کاملاً دانش‌محور است، ۳/۴۵ درصد (یعنی بیش از ۵ برابر ایران) از GDP خود را به تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهد. اختلاف در صرف مخارج دو کشور ایران و ژاپن زمانی مشخص‌تر خواهد شد که رقم مخارج اختصاصی به تحقیق و توسعه در دو کشور با هم مقایسه شود.

جدول ۴: مقایسه مخارج صرف‌شده تحقیق و توسعه در دو کشور ایران و ژاپن (منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۰)

	ژاپن	ایران
تولید ناخالص داخلی (میلیون دلار)	۴۹۱۰۸۴۰	۲۸۶۰۵۸
درصد مخارج صرف‌شده از GDP بر R&D	۳/۴۵	۰/۶۷
میزان مخارج صرف‌شده بر R&D (برحسب میلیون دلار)	۱۶۹۴۲۴	۱۹۱۷

همان‌طور که در جدول شماره ۴ آمده است کشور ژاپن نزدیک به ۱۷۰ میلیارد دلار و ایران تنها نزدیک به ۲ میلیارد دلار در بخش تحقیق و توسعه هزینه نموده است که با رقم اختصاصی ژاپن به این بخش حتی قابل مقایسه نیست؛ از این‌رو جهت پیشی گرفتن از کشورهای رقیب منطقه و برخوردار شدن از اقتصادی دانش‌بنیان، بالا بردن سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی ضروری است.

در جدول شماره ۵ میزان صادرات محصولات با فناوری بالا^۱ برای کشورهای مورد بررسی آورده شده است. شاخص صادرات با فناوری بالا یکی از متغیرهای بانک جهانی برای رکن «نظام ابداع و نوآوری» در اقتصاد دانش‌بنیان است که با نهاد مالکیت فکری ارتباط تنگاتنگی دارد. صادرات با فناوری بالا محصولاتی است که سهم تحقیق و توسعه و وجود انگیزه برای بنگاه‌ها جهت فعالیت در تولید آنها بسیار بالا است و تنها در این صورت

1. high technology

است که محصولات در عصر رقابت و دانش، قابلیت صادر شدن می‌یابند. در واقع تجلی فعالیت‌های بخش تحقیق و توسعه در تولید محصولات با فناوری بالا می‌باشد. هوافضا، داروسازی و دستگاه‌های الکترونیکی در این حوزه قرار می‌گیرند (بانک جهانی، ۱۹۹۸). در صورت فقدان حقوق مالکیت فکری، بنگاه‌ها به استفاده از فعالیت‌های تحقیق و توسعه دیگر بنگاه‌ها و سواری مجانی تمایل دارند و همین امر باعث کاهش تولید محصولات با فناوری بالا در اقتصاد می‌شود (دراوس، ۱۳۸۹).

جدول ۵. صادرات با فناوری بالا به عنوان شاخصی برای ابداع و نوآوری (منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۰)

ایران	پاکستان	ترکیه	عربستان	عراق	مصر	قزاقستان	آذربایجان	ارمنستان	صادرات با فن آوری بالا
۳۷۵	۲۷۵	۱۸۰۷	۱۲۱	۰	۸۵	۲۲۵۰	۶	۱۱	برحسب میلیون دلار
۶	۲	۲	۱	۰	۱	۲۲	۱	۲	برحسب درصد از کل صادرات کارخانه‌ای

در این مورد، کشور قزاقستان با اختصاص ۲۲ درصد از صادرات کارخانه‌ای خود به محصولات با فناوری بالا در صدر ایستاده و اختلاف بسیار زیادی نیز با کشورهای پس از خود دارد. ترکیه به لحاظ ارزش صادرات و ایران به لحاظ درصد صادرات بعد از قزاقستان قرار می‌گیرند؛ البته بخشی از پایین بودن صادرات با فناوری بالای ایران نسبت به کشورهای قزاقستان و ترکیه فارغ از فاکتورهای اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند مربوط به دو عامل وجود تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا باشد.

در این حوزه پاکستان بعد از ایران و ترکیه قرار دارد. کشورهای عربستان، آذربایجان و ارمنستان از وضعیت خوبی برخوردار نمی‌باشند و عدم توجه به تولید محصولات دانش‌بر در آنها کاملاً مشهود است. عراق نیز که هیچ صادرات با فناوری بالایی ندارد، از وضعیت بسیار نامناسبی در عصر دانایی به سر می‌برد.

جدول شماره ۶ امکان مقایسه بین تعداد درخواست‌های ثبت علائم تجاری بین کشورهای منطقه به تفکیک افراد مقیم و غیر مقیم را نشان می‌دهد.

جدول ۶: تعداد درخواست‌های ثبت علائم تجاری (منبع: WIPO, 2010)

ایران	پاکستان	ترکیه	عربستان	عراق	مصر	قزاقستان	آذربایجان	ارمنستان	
۲۴۳۶۶	۱۰۱۸۶	۶۰۵۹۷	۱۸۵۱	۹۰۸	۹۳۹	افراد مقیم
۳۴۶۷	۴۶۸۶	۱۴۰۸۸	۳۳۴۰	۶۵۵۶	۴۷۰۱	۳۷۹۶	افراد غیر مقیم
۲۷۸۳۳	۱۴۸۷۲	۷۴۶۸۵	۳۳۴۰	۸۴۰۷	۵۶۰۹	۴۷۳۵	مجموع

در حوزه علائم تجاری نیز کشور ترکیه در منطقه، فراتر از سایرین است و پس از آن کشورهای ایران، پاکستان و قزاقستان قرار دارند. کشورهای آذربایجان، ارمنستان و مصر نیز

در رتبه‌های بعدی هستند، برای کشورهای عراق و عربستان نیز داده‌ای در دسترس نمی‌باشد. با توجه به داده‌های جدول، تفاوت فاحشی بین ایران و ترکیه در حوزه علائم تجاری وجود دارد، ترکیه که از حقوق مالکیت فکری به‌خوبی حمایت می‌کند و قدم در راه دانش‌محور شدن گذاشته است، نزدیک به ۳ برابر ایران و ۵ برابر پاکستان درخواست برای ثبت علائم تجاری داشته است.

پس از مقایسه وضعیت حقوق مالکیت فکری بین کشورهای منطقه، لازم به ذکر است که به جز برنامه چهارم توسعه کشور که در آن حقوق مالکیت فکری مورد توجه بوده و طراحی و اجرای نظام جامع مالکیت فکری در دستور کار قرار گرفته است، در سایر برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، توجهی به این نهاد مهم نشده است. در بُعد سیاست‌گذاری نیز، استراتژی‌های کلان توسعه تکنولوژی در ایران مشخص نیست و در همین راستا هیچ استراتژی مشخصی جهت ارتقا و حمایت از دارایی‌های فکری در کشور تدوین نشده است (سلامی و گودرزی، ۱۳۸۲).

با توجه به معیارهای جهانی، موقعیت ایران از نظر حمایت از حقوق مالکیت فکری در سطح ضعیفی قرار دارد که این امر می‌تواند یکی از دلایل توجیه‌کننده حجم اندک سرمایه‌گذاری‌ها و بخش‌های سرمایه‌گذاری شده توسط خارجیان در ایران باشد (مهدوی و برخورداری، ۱۳۸۷). همچنین ضعف این نهاد مهم در ایران منجر به کاهش سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها در بخش تحقیق و توسعه، کاهش صادرات با فناوری بالا و از همه مهم‌تر ایجاد ضعف ساختاری و نهادی جهت‌گذار به اقتصاد دانش‌محور که ضرورتی انکارناپذیر است شده است.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

جهان وارد مرحله نوینی شده و تولید کالاهای مبتنی بر دانش، جایگزین کالاهای با وزن شده است و اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان یا دانش‌محور یا در مسیر دانش‌محور شدن قرار گرفته است. یکی از ملزومات بنیادی جهت هرچه بهتر پیاده کردن اقتصاد دانش‌محور، نهاد مالکیت فکری قوی و کارآمدی است که بتواند از دانش و نوآوری در اقتصاد نوین که قلب تپنده آن است محافظت کند. باید تکلیف مالکیت بر دارایی فکری و علمی و تخصصی به‌خوبی روشن شود و تدابیر لازم جهت حفاظت از آن به عمل آید.

با توجه به مقایسه ایران و کشورهای منطقه، جدی‌ترین رقیب ایران کشور ترکیه می‌باشد که در بیشتر موارد مقایسه، از ایران پیشی گرفته است. دو کشور پاکستان و مصر نیز

تعقیب‌کننده ایران می‌باشند. سایر کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای خاورمیانه از ضعف‌های بسیاری رنج می‌برند و تهدیدی برای ایران به شمار نمی‌آیند. هرچند با توجه به بررسی وضعیت کنونی ایران با ترکیه درمی‌یابیم که دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز توسعه با دشواری همراه می‌باشد؛ اما توجه به اقتصاد دانش‌محور و نهاد مالکیت فکری که یکی از ضرورت‌های اساسی اقتصاد دانش‌بنیان است، می‌تواند در دستیابی ایران به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی و پیشی گرفتن از ترکیه بسیار راهگشا باشد.

بنابراین، کشور ایران جهت گذار به اقتصاد دانش‌محور باید برای برپایی یک نظام مالکیت فکری قوی و کارآمد برنامه‌ریزی دقیقی نماید. از این‌رو جهت بهبود وضعیت این نهاد در کشور، پیشنهاد می‌شود:

الف) دولت با فراهم نمودن شرایط لازم عضو توافقات بین‌المللی شود تا افزون بر آماده نمودن بستری مناسب جهت حمایت از مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران افزایش یابد.

ب) همان‌طور که در کشورهای توسعه‌یافته و دانش‌محور، سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی به بخش تحقیق و توسعه اختصاص دارد، لازم و ضروری است که در ایران سهم ناچیز فعلی بخش تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی به میزان قابل توجهی افزایش یابد تا حمایت از فرایندهای تحقیق و توسعه که کلید شکوفایی اقتصاد دانش‌محور است بهتر صورت پذیرد.

ج) دولت باید از طریق کمک به تجاری‌سازی ابداعات و نوآوری‌ها، از متفکران، مبدعان و مخترعان حمایت نماید.

د) از آنجا که در کشورهای دارای حقوق مالکیت ضعیف، حلقه «خودتقویت‌شونده‌ای»^۱ بین ضعف نظام مالکیت و افزایش منابع مورد نیاز جهت برپایی نظامی که ضمانت اجرایی لازم را داشته باشد تشکیل می‌شود، دولت باید با فراهم آوردن منابع مالی مورد نیاز این حلقه را پاره و راه را برای ورود بنگاه‌های خصوصی به عرصه تحقیق و توسعه باز نماید.

ه) اطلاع‌رسانی به عامه مردم در جهت فرهنگ‌سازی اهمیت رعایت حقوق مالکیت فکری برای اقتصاد کشور.

1. self-reinforcing

منابع

- تارو، لستر (۱۳۸۴)، ثروت آفرینان، ترجمه عزیز کیاوند، چ ۲، تهران: نشر فرا.
- تندهوش، هومن، نسترن حاجی حیدری و منصور نجمایی (۱۳۸۴)، «شیوه‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های معنوی در فرایند سرمایه‌گذاری»، نشریه تدبیر، ش ۱۰۶، ص ۲۵.
- حیدری، بهزاد (۱۳۸۶)، اقتصاد دانش محور و نقش دانش در توسعه اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران.
- خاکپور، افسانه (۱۳۷۳)، «تکنولوژی، حقوق مالکیت معنوی و تجارت بین‌الملل»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۸۷ و ۸۸، ص ۱۱۱.
- دراهوس، پیتر (۱۳۸۹)، «حقوق مالکیت معنوی در اقتصاد دانش»، مجموعه مقالات کتاب اقتصاد دانش، ترجمه محمد حسن زاده، مصطفی احمدی و سیامک محبوب، چ ۱، تهران: سمت.
- زری‌باف، مهدی، روح‌الله استیری و جلال ابراهیمی عسگری (۱۳۸۸)، «ارزش‌گذاری مالکیت معنوی»، فصلنامه مدیریت، س ۶، ش ۱۵، ص ۳.
- سازمان اتحاد حقوق مالکیت (۱۳۸۹)، «گزارش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۰»، ترجمه جعفر خیرخواهان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- سلامی، سیدرضا و مهدی گودرزی (۱۳۸۲)، «راهکارهای بهبود نظام مالکیت فکری ایران در جهت توسعه تکنولوژی کشور»، فصلنامه مدیریت صنعتی، ش ۳، ص ۸۴-۸۹.
- سیدعلی روته، صدیقه سادات (۱۳۸۷)، حقوق مالکیت فکری و آثار اقتصادی آن بر پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشگاه تهران.
- فتحی‌زاده، امیرهوشنگ و وحید بزرگی (۱۳۸۳)، «بایسته‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری»، چ ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چ ۶، تهران: میزان.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۲)، «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی».
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۸)، «پاشنه آشیل توسعه»، فصلنامه اقتصاد و جامعه، س ۶، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۲۶۱-۲۶۷.

مهدوی، ابوالقاسم و سجاد برخورداری (۱۳۸۷)، «حقوق مالکیت فکری و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مورد ایران)»، مجله دانش و توسعه، س ۱۵، ش ۲۴، ص ۱۳.

نورث، داگلاس (۱۳۸۵)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، چ ۲، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

نوروزی، علیرضا (۱۳۸۱)، حقوق مالکیت فکری، حق مؤلف و مالکیت صنعتی، چ ۱، تهران: نشر چاپار.

هداوند، مهدی (۱۳۸۳)، «حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت»، فصلنامه اقتصاد سیاسی، س ۲، ش ۵.

APEC Economic Committee (2001), *Towards Knowledge Based Economies in APEC*, APEC Secretariat.

Demsetz, Harold Mary (1967), "Towards a Theory of Property Rights", *The American Economic Review*, vol.57, pp.347-359, issue 2.

Drahos, Peter (1996), *A Philosophy of Intellectual Property*, Aldershot, UK: Dartmouth.

Foray, D. (2004), *Economic of Knowledge*, Massachusetts Institute of Technology.

Kaufman, Daniel; A. Kraay & M. Mastruzzi (2003), "Governance Matters 3: Governance Indicators for 1996-2002", *Policy Research Working Paper Series*, no.3106, The World Bank, July.

Landes, William, M. & A. Posner Richard (2003), *The Economic Structure of Intellectual Property Law*, Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.

North, D. (1995), *The New Institutional Economics and Third World Development*, Edit By Lewis, Colin M.; Hunter, Janet & Harriss, John, Routledge, London, UK.

OECD (1996), *The Knowledge-Based Economy*, Paris.

Romer, P. (1993), "Two Strategies for Economic Development: Using Ideas and Producing Ideas", *Proceedings of the World Bank Annual Research Conference 1992*, Supplement to the World Bank Economic Review.

Rooney, David; G. Hearn & A. Ninan (2005), *Handbook on the Knowledge Economy*; Edward Elgar Publishing.

Stiglitz, J. E. (1999a), "Public Policy for a Knowledge Economy", *Remarks at the Department for Trade and Industry and Center for Economic Policy Research*, London: 27 January (<http://www.worldbank.org/html/extdr/extme/jssp012799a.htm>).

WIPO (2002), *WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use*, WIPO Publications, www.wipo.int.

Withers, Kay (2006), *Intellectual Property and the Knowledge Economy*, Institute for Public Policy Research, this paper was published as part of the Ippr's project "Intellectual Property and the Public Sphere: Balancing Competing Priorities", <http://ippr.typepad.com>.

World Bank (1998/99), *World Development Report: Knowledge for Development*, New York: Oxford University Press.

----- (2010), "World Development Indicators", www.worldbank.org/.

